

بررسی بزه دیده شناختی کودکان کار

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

مریم شیشه‌گران^۱

دانشجوی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

دکتر محمدعلی حاجی ده‌آبادی

دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

چکیده

در جهان امروز اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، شاهد افزایش نرخ پدیده کودکان کار هستیم. کودکانی که به علل و عوامل ناخواسته‌ی اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی مجبور به ورود زودهنگام، به دنیای بزرگسالی هستند و می‌بایست خود را پرورش داده تا از خویشتن حمایت نمایند. این کودکان به لحاظ موقعیت ضعیف جسمی و روحی بیش از دیگر افراد وحتی کودکان عادی در معرض آسیب و بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. اولین گام در جهت حمایت از کودکان کار، بررسی و مطالعه در علل و عوامل گسترش دهنده پدیده کار کودک است. بعد از آن است که می‌توان، با بکارگیری راهکارهای مناسب، از افزایش آن جلوگیری شود. روش این مقاله سعی در تحلیل و توصیف پدیده کار کودک از طریق ارزیابی و مقایسه راه حل‌های ارائه شده گذشته دارد تا بتوان با ارائه راهکارهای نوین و مناسب با وضعیت روز جامعه، به مقصود نهایی نائل شد. آنچه که بارزتر از دیگر علل در بررسی علت کار کودک، سهم بیشتری به خود اختصاص داده، وضعیت نابه سامان اقتصادی خانواده است. مشکل مالی و فقر، نقش تعیین کننده‌ای در زندگی کنونی و حتی آینده کودکان در برداشته. این کودکان که کمک خرج خانواده و گاهی خود به تنهایی نان آور خانواده محسوب می‌شوند، طبیعتاً از حق تحصیل و تفریح دوران کودکی محروم هستند. وظیفه دولت به همراه دیگر شهروندان این است تا با ارائه‌ی راهکارهای بلند مدت و کوتاه مدت و مدیریت براین پدیده، آن را کنترل نمایند و تا جایی که امکانپذیر است نقش کودک در محیط کاری کم رنگ شود.

واژگان کلیدی: کودکان کار، بزه‌دیدگی کودکان کار، بزه دیده شناختی کودک کار

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

در قوانین ما سن بلوغ مرز میان کودکی و بزرگسالی تعیین شده است که از شرع مقدس اسلام الهام گرفته شده است. حال به بررسی معیار سن در قوانین مختلف ایران پرداخته می‌شود: در قانون مدنی ماده ۱۲۱۰ تبصره ۱، سن بلوغ در پسران را ۱۴ سال و ۷ ماه تمام شمسی و در دختران ۸ سال و ۹ ماه تمام شمسی بیان نموده. در قوانین کیفری در مواد ۸۸ تا ۹۵ ق.م.ا^۱ به سن کودک نیز اشاره کرده و افعال اشخاص ۹ سال تا ۱۸ سال را دارای ضمانت اجرای متفاوت بیان کرده است. همچنین بر اساس ماده ۱۴۶ ق.م.ا اشخاص نابالغ به طور کل فاقد مسئولیت کیفری هستند. آنچه از این ماده استنباط می‌شود این است که قدر متیقن در پسران و دختران زیر ۹ سال می‌باشد. قانون کار نیز با نگاه خاص به کودکان، افراد زیر ۱۵ سال تمام را ممنوع از کار تعریف کرده است^۲ و کار در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال را با توجه به اعمال شرایطی در قالب مواد ۸۰ تا ۸۴ جایز دانسته بنابر این مواد، این اشخاص نه کودک هستند که از کار آنها جلوگیری شود و نه به مثابه ی دیگر بزرگسالان حق انجام هر نوع کاری را خواهند داشت بلکه آنها از رشد جسمی و فکری ناقص برخوردارند که کار آنها باید با وجود شرایطی پذیرفته گردد. با توجه به مطالبی که بیان شد، دانسته می‌شود حتی معیار سن در قوانین مختلف نیز دارای تعاریف متفاوت بوده و سن مشخصی معیار ما نمی‌باشد؛ در نتیجه نوعی تشویش و سردرگمی در تعیین سن معین برای کودکان وجود دارد. البته در سال ۱۳۷۳ ایران با الحاق به کنوانسیون حقوق کودک که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، معیار سن را همان سن ۱۸ سال در این کنوانسیون، ملاک نظر قرار داد. بر اساس این کنوانسیون افراد زیر ۱۸ سال کودک تلقی می‌شوند مگر آنکه به موجب قوانین لازم الاجرای هر کشوری سن پایین تری در نظر گرفته شده باشد و با توجه به این الحاق ایران نیز سن کودکی را سن ۱۸ سال تعریف می‌نماید.) جنگجوی، جامی، نصیری؛ ۱۳۹۴: ۷۰ تا ۷۶) و (ماهانامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی کار و جامعه، شماره ۸۱، خرداد ۱۳۹۴)

^۱ - برای دیدن مفاد مواد مراجعه شود به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱

^۲ - مراجعه شود به ماده ۷۹ قانون کار

بند اول: تعریف کودکان کار

کودکانی هستند که به دلیل وجود شرایط و اوضاع و احوال خانوادگی، اجتماعی، مشکلات عدیده اقتصادی و... ساعاتی از عمر خود را در شبانه روز به کار کردن در کارخانه ها، کارگاهها، ساختمان ها، خیابان ها و منازل مردم جهت کارگری و... می گذرانند که بسیاری از آنها کمک خرج خانواده و برخی دیگر خود به تنهایی عهده دار مخارج خانواده هستند. ماندگار؛ ۱۳۹۶: ۱۶۹)، (محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۱) همانطور که بیان شد، تعریف کودکان کار از تعریف اخلاقی و عاطفی آن جدا نیست، آنها کودکانی هستند که بخش زیادی از ساعات روزانه ی خود را به جای گذراندن در مدرسه، خانواده، بازی با همسالان خود و تفریح و ... مجبور به کار کردن در موقعیت ها و مکانهایی که مناسب سن و روحیه ی آنها نبوده سپری می کنند. آمار نشان می دهد، حدود ۹۰ درصد این کودکان، پسران هستند که از سنین ۵ سال شروع شده تا به ۱۸ سال، مشغول به کارهای گوناگون اند و اکثرشان دارای خانواده های پرجمعیت هستند. برخی از آنها بعد از کار کردن به نزد خانواده بازمیگردند اما برخی ارتباطشان با خانواده به کل قطع شده و برخی دیگر کم و بیش ارتباط دارند. (سلیمانی، حاجیانی؛ ۱۳۹۲: ۵۵)، (محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۱) نکته ای که در خصوص کودکان کار شایان ذکر است این است که، در اکثر موارد، افراد در تعریف کودکان کار، تنها مصداق بارز آن یعنی کودکان خیابانی را در تعریف کودک کار در نظر می آورند؛ در حالیکه رابطه ی این دو می تواند عموم و خصوص من وجه باشد؛ با این توضیح که، هر کودک کاری در خیابانها مشغول به کار نیست. به تعبیری دیگر، بعضی از کودکان کار در خیابانها مشغول به کار هستند برخی دیگر نیز در جاهای دیگری کار میکنند و هر کودکی هم که در خیابان است لزوماً مشغول به کار نبوده بلکه اصطلاحاً ولگرد محسوب می شوند.

بند دوم: ویژگی کودکان کار

خصوصیاتی که این قبیل کودکان دارند، همت جمعی را در رفع این معضلات می طلبد، که اگر به موقع اقدام نشود شاهد از بین رفتن طفل و حتی ورود صدمات جبران ناپذیری در آینده جامعه مان خواهیم شد.



- بارزترین خصوصیت این کودکان، فقر و مشکل مالی خانواده آنهاست؛ که کودکان را نیز درگیر کرده است. (ماندگاری؛ ۱۳۹۶: ۱۶۶ و ۱۶۷)
- فقدان رابطه منظم و مستحکم با خانواده و حتی اغلب رابطه ای با خانواده به کل ندارند.
- عدم بهره گیری از آموزش و تحصیل.
- مشکلات رفتاری، که حاصل مشاهده روزانه ی خشونت ها، درگیری ها و... بوده که با روحیه ی کودکانه آنها به هیچ وجه سازگار نمی باشد و آنها از ابتدا ضد اجتماع تربیت میشوند.
- فقدان احساس امنیت و روابط امن عاطفی.

بند سوم: ویژگی کار کودک

کار کودک ویژگی هایی دارد، از جمله:

- مزد ناچیز و ناعادلانه از حقوق اصلی، که ویژگی بارز شغل کودکان است. مزد اغلب کودکان کار آنچنان کم است که حتی برای رفع نیازهای اصلی زندگی کفاف خرج آنها را ندارد.
- اکثر موارد حتی آن حقوق ناچیز را هم به خود کودک نمی دهند، یا پدر و مادر کودک یا دیگر اعضای خانواده دریافت می کنند. به تعبیری دیگر، مزد را مستقیماً به کودک نمی دهند.
- فرمانبرداری و انعطاف پذیری کودک از دیگر اشخاص بیشتر است، که این نیز به ضعیف بودن او نسبت به بزرگسالان برمی گردد.
- اکثر موارد این کودکان در مکانهایی مشغول به فعالیت هستند که مجوز کار نداشته و غیرقانونی هستند، در نتیجه به علت عدم نظارت نهادی بر آن فعالیت، کار کودک نیز از شرایط نامطلوبی برخوردار خواهد بود. (فارسیانی، ۱۳۸۸، ۲۳۹): به نقل از ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی کار و جامعه شماره ۱۸۱، خرداد ۱۳۹۴.
- در حال حاضر همگی شاهد افزایش کودکان کار هستیم و علل و عواملی سبب افزایش هرچه بیشتر این پدیده می گردد. از جمله این عوامل، می توان به موارد زیر اشاره کرد:



- خشونت خانوادگی.
- عدم سیاست گذاری دولت در زمینه کنترل جمعیت.
- عدم توضیح عادلانه ثروت در جامعه و وجود فاصله شدید طبقاتی.
- مهاجرت داخلی مهاجران از شهرهای کوچک و روستاها به شهرهای بزرگ بالاخص، پایتخت.
- جنگ؛ در کشورهایی که از وضعیت نامناسب و جنگ و کشمکش برخوردار بوده ناگزیر خانواده‌هایشان به کشورهای هم جوار مهاجرت می‌نمایند. که ایران نیز از این پدیده مستثناء نبوده، اکثر کودکان کار در خیابان را کودکان پاکستانی و افغان تشکیل می‌دهند.

○ فقدان ارزش‌های سنتی

○ عدم اطلاع کودک از قوانین حمایتی موجود

○ ضعف قوانین و مقررات حمایتی کودک

○ ضعف تقسیم کار در سازمانها و نهادهای مزبور^۱ (محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۳)

با توجه به مطالب فوق، بدین نتیجه بدیهی خواهیم رسید که کودکان کار بیش از دیگر کودکان در معرض آسیب پذیری هستند و این آسیب‌ها نه تنها در بزه‌دیدگی آنها خلاصه نشده بلکه در آینده، معمولاً، شاهد بزهکاری آنان نیز خواهیم بود. تجربه ثابت کرده، افرادی که در سنین کودکی مورد بزه‌دیدگی واقع شده اند در بزرگسالی وقوع جرم از ناحیه آنها راحت تر از دیگر اشخاص می باشد.

بند چهارم: بزه‌دیدگی کودکان کار

گفته شد که کودکان کار دچار آسیب‌هایی می شوند که دو مصداق مهم این آسیب‌ها بزه دیدگی و بزهکاری کودکان کار است. از آنجا که بزهکاری کودکان کار نیز در حقیقت نوعی بزه دیدگی آنها به حساب می آید، این دو اصطلاح را توضیح خواهیم داد. در تعریف بزه دیده احوال و تعاریف متعددی وجود دارد^۲. در یک تعریف اینطور بیان می‌شود که بزه دیده

^۱ - به عنوان مثال به گزارش روزنامه جام جم مورخ دوشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۶ صفحه ۱۷ مراجعه شود.

^۲ - برای مطالعه بیشتر ر.ک به صفاری علی، تأملی بر بزه دیدگی و انواع آن.



شخصی است که حتی بر اثر حوادث و بلایای طبیعی نیز مورد آسیب قرار گرفته و نیازمند امداد دیگران و کمک رسانی می‌باشد. که البته تعریف صحیح و مناسبی به نظر نمی‌آید. (حاجی تبار فیروز جایی؛ ۱۳۸۹: ۱۳۵ به نقل از مندلسون) در تعریفی دیگر، بزه دیده در واقع قربانی محسوب شده است که به واسطه‌ی رفتار دیگری، مورد آسیب و صدمه، اعم از جسمی و روحی واقع می‌شود، نه وقوع هر حادثه‌ی غیر انسانی علیه دیگری. (حاجی تبار فیروز جایی؛ ۱۳۸۹: ۱۳۶ به نقل از انجمن جهانی بزه دیده شناسی) در تعریف دیگری: «بزه دیده شخصی است که به جهت وضعیت و موقعیت خاص، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت باری می‌شود که عواملی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد.» (نجفی ابرنآبادی (علی حسین)؛ مباحثی در علوم جنایی، تقریرات ۸۱)، «به عبارت ساده‌تر، اگر در اثر یک خسارت قطعی، آسیب به تمامیت شخصی وارد آمده باشد و اکثر افراد جامعه نیز به این مسأله اذعان داشته باشند، آن شخص بزه دیده است.» (لپز فیلیزولا، ترجمه روح الدین کردعلی وند و محمدی؛ ۱۳۸۰: ۹۶) با وجود نظرات متفاوت در مفهوم بزه دیده، بزه دیده شناسی با توجه به حقوق بشر اینطور تعریف می‌شود:

بر مبنای ماده ۱ اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد: «بزه دیدگان اشخاصی هستند که در پی فعل و ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو، از جمله قوانینی که سوء استفاده‌های مجرمانه از قدرت را به شکل فردی یا گروهی ممنوع کرده‌اند، به آسیب‌هایی چون آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود، دچار شده‌اند.» با توجه به موضوع اصلی که بزه دیدگی کودکان کار است، ذکر یک نکته به جاست که کودکان به لحاظ ضعف جسمانی، عدم آگاهی و تجربه لازم در زندگی اجتماعی و روحیه‌ی بسیار حساس، بزه دیدگان بالقوه‌ای هستند که اگر تدابیر و اقدامات به هنگام و لازم در جهت حفاظت و حراست از آنها صورت نپذیرد به بزه دیدگان بالفعل مبدل خواهند شد. وهمانطور که پیش‌تر بیان شد زمینه برای بزهکاری آنها در آینده هموارتر خواهد شد. (محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۱) به لحاظ وجود ارتباط میان بزه دیدگی و بزهکاری در کودکان لازم

است به مختصر تعریفی از واژه بزهکاری کودک و تفاوت آن با دیگر هنجارشکنان قانون، ذکر شود.

بخش دوم: بزهکاری کودکان کار و انواع و اقسام آن

از منظر حقوقی شخصی بزهکار نامیده می‌شود که با فعل و یا ترک فعلی مرتکب رفتاری شود که قانون گذار آنرا منع کرده است. (دانش؛ ۱۳۶۸: ۴۸) در رابطه با کودک بزهکار آنچه به نظر می‌رسد این است که نمی‌توان این اشخاص را به مثابه‌ی دیگر اشخاص، بزهکار به معنای حقیقی دانست چرا که اطفال و نوجوانان آینه‌ی ای هستند که رخدادهای جامعه را بازتاب می‌کنند و آنچه از فعل و ترک فعل از رفتار آنها حاصل می‌شود، بزه حقیقی نیست^۱ زیرا علت واقعی را باید در محیط و جامعه‌ی ای که آنها را پرورانیده جستجو نمود؛ بنابراین مجازات نمودن آنها نیز بی‌معناست. (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی؛ ۱۳۷۷: ۱۹۹)؛ بلکه نحوه‌ی برخورد با آنها باید به گونه‌ی ای باشد که نه تنها به تربیت صحیح منتهی گردد بلکه هر گونه برچسب مجرمیت برایشان حکم نگردد که آینده‌شان نیز در معرض ویرانی قرار گیرد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به درستی مبین این عملکرد بوده و حتی نحوه‌ی شمول اش برای کودکان سنین مختلف نیز متفاوت است^۲. بزه دیدگی کودکان کار از زوایای مختلف قابل طرح است، این امر بیانگر ضعف تربودن این کودکان در مقایسه با دیگر کودکان است با توجه به شرایط متفاوتشان، بیشتر در معرض انواع بزه‌های گوناگون قرار می‌گیرند. در این مبحث به برخی از بزه دیدگی آنها اشاره خواهیم کرد ولی نباید بزه علیه کودکان کار را تنها به موارد ذیل خلاصه نمود، چرا که احتمال سوء استفاده از این کودکان در هر شغل و موقعیتی متناسب با آن شغل داده می‌شود. ولی موارد ذکر شده عمومیت و شمول بیشتری در بزه دیدگی کودکان کار داشته است.



^۱ - Delinquency

^۲ - برای مطالعه بیشتر ر. ک به مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

❖ کودک آزاری و ضرب و جرح : که می‌تواند علت‌های مختلفی داشته باشد. اما به هر علتی که باشد، به جهت مجبور کردن کودک به تبعیت و فرمانبرداری یا مجبور کردن او به سکوت در برابر احقاق حق خویش است.

❖ بزه دیدگی کودک در رابطه با مواد مخدر که همین مورد می‌تواند زمینه ساز انواع بزه دیدگی علیه او شود: ۱- خرید و فروش مواد مخدر توسط کودکان ۲- معتاد کردن طفل. خرید و فروش مواد وسیله‌ی کودک، می‌تواند زمینه ساز اعتیاد^۱ وی توسط این اشخاص شود. این افراد با معتاد کردن کودک آنها را بیشتر به خود وابسته تر می‌سازند. این افراد حتی والدین کودکان^۲ نیز می‌توانند باشند و در جهت رسیدن به تمایلات خویش کودک خود را معتاد می‌کنند. معتاد کردن کودک، به دو شیوه صورت می‌گیرد: ۱- شیوه‌ی مستقیم ۲- شیوه‌ی غیرمستقیم. در شیوه‌ی مستقیم، اشخاصی که به اصطلاح ساقی^۳ مواد مخدر نام دارند برای خرید فروش مواد نیازمند فردی تحت کنترل و فرمان بردار وضعیف هستند و کسی جز کودکان نمی‌تواند تمامی این ویژگی‌ها را دارا باشد بالاخص زمانی که این کودکان نیز معتاد شوند و وابستگی‌شان به مراتب بیشتر خواهد شد. همچنین کودکان برای دلالان و قاچاقچیان مواد مخدر امن‌ترین وسیله به شمار می‌روند چراکه کمتر جلب توجه نموده و به آنها مشکوک نمی‌شوند. مسلم است شخصی که آغاز زندگی اش به این شکل رقم بخورد انتظار آینده ای روشن از او نمی‌رود. در شیوه غیرمستقیم علل و عوامل اعتیاد زایی که ناشی از بسترهای نامناسب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است کودک را به سمت اعتیاد و مصرف مواد مخدر می‌کشاند. (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۱۱۹ تا ۱۲۴)

^۱ - «در سال ۱۹۶۴ سازمان جهانی بهداشت به این نتیجه رسیده است که اصطلاح اعتیاد یک اصطلاح علمی نمی‌باشد لذا وابستگی دارویی به جای آن توصیه می‌گردد.» بیگی (جمال)؛ ۱۳۸۴: ۱۱۷.

^۲ - اعتیاد والدین یکی از اساسی‌ترین علت اعتیاد کودک بشمار می‌رود و بستر را برای اعتیاد او فراهم می‌سازد. و این معضل اجتماعی هم در خانواده‌های فقیر و هم در خانواده‌های ثروت مند مشاهده شده است ولی کثرت این مسأله در خانواده‌های فقیر نمود بیشتری داشته است.

^۳ - منظور، فروشنده مواد مخدر می‌باشد.

❖ سوء استفاده‌ی جنسی^۱ که اعم از تجاوز جنسی است. به عنوان مثال: اکثرا از اطفال دختر، به دلیل جلب ترحم بیشتر در تکدی گری استفاده می‌شود و یا از پسران در کارهای سنگین بهره کشی می‌شود. (محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۳)

❖ آزار و اذیت و تجاوز جنسی^۲ که لطمه‌های جبران ناپذیری بر کودک به خصوص آینده‌ی او دارد. به تجربه ثابت شده اکثر تجاوزگران فعلی کودکان گذشته‌ای هستند که خود، مورد تجاوز دیگری قرار گرفته‌اند. اشخاص سوء استفاده کننده که به بهانه‌ی استخدام نیروی جوانتر (کودک)، بعدها به آنان تجاوز می‌کنند و بعد با فریب آنها در افزایش دستمزدها یا تهدید جان آنها یا خانواده‌هایشان، آنها را مجبور به سکوت می‌کنند. (محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۳)

❖ قرار گرفتن کودک در باندهای قاچاق انسان: این کودکان به جهت بی سرپرستی و عدم وجود خانواده بیشتر در معرض قاچاق انسان^۳ قرار خواهند گرفت که اغلب از دختران در قالب ازدواج ولی حقیقتا به عنوان فروش به کشورهای خارجه استفاده می‌گردد.

تعریف قاچاق انسان به موجب ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان: «الف- خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح و بردگی و ازدواج. ب- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد یا افراد مربوطه‌ی این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.»، در تعریف قاچاق انسان در این قانون، انواع بزه‌ها را علیه این کودکان می‌شود نام برد (برداشت اعضاء، فحشاء علیه کودک، بردگی کودکان) ولی چون از «عبور دادن از مرز» نام برده شده و تحت عنوان یک قانون خاص درآمده، این جرایم در قالب قانون قاچاق انسان، رسیدگی می‌شود.

¹ Physical abuse

² Sexual abuse

^۳ - «قاچاق زنان و کودکان، که گاه آنرا بردگی سفید می‌نامند.» میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، ۱۳۹۲: ۵۶۸.

❖ خرید و فروش کودکان در داخل کشور به منظور استفاده از آنها به عنوان تکدی گری.^۱
(محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۴)، (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۱۰۰ تا ۱۰۲)

ذکر یک نکته خالی از فایده نیست، مطالبی که از انواع بزه دیدگی کودکان کار بیان گردید، مطلقاً اختصاص به کودک کار ندارد چرا که جرایمی هستند که احتمال وقوع، علیه هر کسی را خواهد داشت ولی نسبت به کودکان کار درجه احتمال، به حداکثری می‌رسد با این توصیف، بزه‌های ارتكابی علیه کودک را نمی‌توان انحصاری دانست بلکه این موارد جنبه‌ی تمثیلی داشته و متناسب هر شغل و موقعیتی که کودک در آن قرار دارد، جرمی متناسب با آن امکان پذیر خواهد بود.

بخش سوم: علل و عوامل بزه دیدگی کودکان کار

یافته‌های جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی نشان داده است که برخی از افراد به دلیل خصوصیات خاص زیست‌شناسی، روان‌شناسی و اجتماعی بیش‌تر از دیگر اشخاص در معرض بزه دیدگی قرار دارند. از عوامل مؤثری که بر بزه‌دیده واقع شدن این اشخاص، از جمله کودکان کار، نقش دارد عبارت است از:

- عوامل فرهنگی
- آداب و رسوم نادرست
- فرار کودکان از محیط خانه
- اختلال و انحراف در کانون خانواده
- خشونت روانی و دیگر موارد. (داداش خواه؛ ۱۳۹۲: ۱)
- ضعف فیزیکی
- فقدان آگاهی، تجربه و ضعف خودکنترلی (حاجی تبار فیروز جایی؛ ۱۳۸۹: ۱۳۹)

^۱ - مجازات استفاده‌کنندگان از اطفال جهت تکدی‌گری، ۳ ماه تا ۲ سال حبس به علاوه استرداد کلیه اموال به دست آمده از این طریق است. ک به قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده با اصلاحات مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.



بخش چهارم: راه های مقابله و پیشگیری در برابر بزه علیه کودکان کار

پیشگیری به معنای «مانع شدن از امری، جلوگیری از وقوع چیزی، و جلوگیری از وقوع چیزی است». پیشگیری در معنی موسع، شامل پیشگیری کیفری و پیشگیری غیر کیفری است. (میر محمد صادقی؛ ۱۳۸۱: ۱۲ به نقل از حاجی تبار فیروز جایی)، (حاجی تبار فیروز جایی: به نقل از فرجی ها؛ ۱۳۸۳: ۲۷)، (انوری؛ ۱۳۸۶: ۱۵۱۷) پیشگیری کیفری یعنی: «پیشگیری با استفاده از ابزار کیفر، که جنبه ی قهر آمیز و سزادهی دارد و در مرحله بعد از وقوع جرم و یا بزه دیدگی به کار گرفته می شود.» ولی پیشگیری غیر کیفری یا پیشگیری به معنای اخص عبارت است از: «مجموعه اقدام هایی که جنبه ی کنشی داشته و با ماهیتی غیر قهر آمیز یا در مقام سالم سازی جامعه، و یا برای رفع بحران های جرم زا و یا برای به هم زدن اوضاع و احوال ماقبل بزه کاری و حتی بزه دیدگی اتخاذ می شود.» (حاجی تبار فیروز جایی: به نقل از نجفی ابرند آبادی؛ ۱۳۸۳: ۵۶) پیشگیری از نظر ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم: «پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن است.» ولی در هر صورت، برنامه های پیشگیرانه باید طوری طرح ریزی شود تا آزادی فردی اشخاص، سلب نشود و موافق با قوانین حقوق بشر نیز باشد. در کنار اصطلاح پیشگیری از جرم، پیشگیری از بزه دیدگی نیز مطرح است، چرا که بزه دیده شناختی همانند جرم شناسی دارای استقلال نسبی است. از این رو، پیشگیری از بزه دیدگی به لحاظ ارتباطی که با جرم شناسی و سیاست جنایی بزه دیده دارد می تواند با یاری رشته بزه دیده شناسی به طور مستقل مورد مطالعه قرار بگیرد. هر چند، در واقع، هدف از پیشگیری از بزه دیدگی پیش گیری از بزه کاری بوده و می توان گفت مکمل آن نیز به شمار می رود. (حاجی تبار فیروز جایی؛ ۱۳۸۹: ۱۳۰) آنطور که به نظر می رسد، میان بزه دیده شناختی پیشگیرانه و جرم شناسی پیشگیرانه نه تنها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد بلکه شباهت هایی نیز دارند اول آنکه در هر دوی آنها باید ابتدا به علت شناسی جنایی پرداخته شود، سپس به بررسی عواملی که بر فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه نقش داشته است، پرداخته شود. (حاجی تبار فیروز جایی؛ ۱۳۸۹: ۱۳۰) در قوانین ایران به سیاست های پیشگیرانه در قوانین مختلف توجه شده است به عنوان مثال می توان به چند مورد اشاره کرد:



۱- اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی. ۲- ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹. ۳- ماده ۱ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۲. ۴- ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۹.

در پیشگیری از بزه دیدگی کودکان کار در وهله اول، راهکارهای بلند مدتی به نظر می‌رسند که تقریباً با آنچه که در رویاها پرورانده می‌شوند بی‌شبهت نیست، این راهکارها در قالب برنامه ریزی‌های کلان در جهت از بین بردن فقر، تأمین رفاه اجتماعی در حد یک زندگی متوسط، ایجاد عدالت در تمام عرصه زندگی اجتماعی و... که امکان تحقق‌شان به طور کامل، ضعیف به نظر می‌رسد و برای پیشرفت نباید اینقدر، متوقع بود. آنچه به نظر منطقی‌تر و در دسترس‌تر است راهکارهای کوتاه مدتی هستند که به اندازه‌ای ما را در رسیدن راهکارهای بلند مدت یاری می‌کند. به عنوان مثال می‌توان به چند مورد زیر اشاره نمود:

- ✓ جلوگیری از کار کودک و یا نظارت بر کار آنها.
- ✓ شناسایی کودکان کار و وضعیت خانوادگی آنها که مستلزم انجام تحقیقات تخصصی و پیگیرانه‌ای است.
- ✓ اصلاح سیستم آموزشی کشور و فراهم‌آوری امکان تحصیل هرچه بیشتر برای کودکانی که امکان تحصیل مانند دیگر همسالان خود را ندارند.
- ✓ حمایت از خانواده‌های کودکان کار و ارائه‌ی انواع خدمات مورد نیاز اعم از کمک هزینه زندگی، خدمات مشاوره‌ای و تحصیلی برای کودکان و دیگر موارد حمایتی.
- ✓ مشخص نمودن حیطه وظایف و تکالیف سازمانهای مزبور و تعیین ناظر بر بهبود هرچه بهتر عملکرد آنها.
- ✓ تأسیس یک بنیاد تیم تحقیقاتی ویژه برای کودکان کار که متشکل از متخصصینی از جمله، روان‌شناس کودک و روان‌پزشک، جامعه‌شناس، جرم‌شناس، حقوق‌دان و... که یک گروه حمایتی، برای کودکانی که شرایط و اوضاع و احوال، آنها را برای کار کردن زود هنگام مستعد می‌سازد، محسوب می‌شود. (محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۴)

به طور کل، پیشگیری به دو طریق قابل اعمال است: ۱- نوعی از پیشگیری وجود دارد که زمینه و شرایط وقوع جرم و علل و عواملی که زمینه ساز سهولت وقوع جرم است را پیش بینی نموده و در جهت از بین بردن آن کوشش می‌نماید. عرصه‌ی این نوع پیشگیری بیشتر در اجتماع می‌باشد. که به پیشگیری اجتماعی معروف است. ۲- نوع دیگری از پیشگیری وجود دارد که نقطه توجّه اش بر حمایت از موضوع مورد نظر است، در این شیوه سعی بر آن می‌شود فرصت وقوع جرم را کاهش داده و موقعیت‌های بزه‌زا را حذف نماید و از بزه دیده واقع شدن تا حد امکان جلوگیری نماید. به این شیوه از پیشگیری، پیشگیری وضعی می‌گویند که نیازمند مراحل مختلفی است که سازمان بهزیستی می‌بایست با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن‌های خیریه، تشکل‌های غیر دولتی و نیروی انتظامی و مددکاران اجتماعی که تمامی می‌توانند در قالب تیم تخصصی و سیار و یا مستقر در کلیه‌ی مراکز استانها انجام گردد. این مراحل عبارت است از:

۱- شناسایی: که مراد ارتباطی است که مددکار اجتماعی با کودک کار برقرار می‌نماید و به بررسی و تشخیص وضع موجود وی می‌پردازد.

۲- جذب: یعنی ایجاد ارتباط مستحکم و با دوام تر یک مددکار با کودک کار که با جلب اعتماد کودک صورت پذیرفته و هدف از آن آگاهی کودک از منابع و خدماتی است که در اختیار او قرار خواهد گرفت.

۳- پذیرش: در این مرحله رابطه‌ای عمیق تر از پیش شکل گرفته تا شرایط را برای حل مشکل در زمینه‌های مختلف فراهم نماید.

۴- ایجاد مراکزی برای کودکان کار که به آنان خدمات تخصصی ویژه‌ای ارائه دهد. مانند ایجاد کارگاه‌های حرفه‌آموزی به کودکان و یا کارگاهی که تنها کودکان در آنجا مشغول به کار شوند و به همراه آن، خدمات آموزشی و تخصصی به ایشان ارائه گردد.

۵- پیگیری: مشکل از اقداماتی پیگیرانه است، جهت استمرار خدمات مزبور به منظور پیشگیری از کار کودک یا حداقل حفاظت از وی در برابر آسیب و مورد بزه واقع شدن او از کاراوست و دور کردن کودک از کار و نزدیک کردن وی به محیط خانوادگی است. (حاجی



تبار فیروز جای؛ ۱۳۸۹: ۱۴۵ به نقل از مواد ۲۱ و آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب هیئت وزیران)

در مورد راهکارها و راههای پیشگیرانه مختصر مطالبی اشاره شد و تاکنون مقالات و آثاری در مورد پیشگیری از بزه دیدگی به طور کلی، نوشته شده است ولی در مورد بزه دیده واقع شدن کودکان کار و پیشگیری از آن، موارد زیادی به دست نیامده، آنچه در این مقاله در استفاده از راههای پیشگیرانه آمده است، ضمن حفظ اصول کلی راههای پیشگیری در دیگر آثار نوشته شده قبلی از دیگر نویسندگان، سعی بر ارائه راه حل های جدید و مناسب با موضوع مورد نظر است و امید است که استفاده از این قبیل مطالب تنها بر مطالعه صرف، منتهی نشده و به کاربرد عملی برسد.

بخش پنجم: شیوهی مرسوم پیشگیری از وقوع جرم بند اول: پیشگیری کنشی از بزه دیدگی کودکان کار

در این شیوه از پیشگیری آنچه مد نظر است نظارت بر تمام فعالیت ها و تمام اقداماتی است که پیش از بزه دیدگی کودکان کار وجود دارد، می باشد. به تعبیری دیگر، در این شیوه سعی می شود تا تمامی راههایی را که بزه دیدگی کودکان کار را تسهیل می نماید شناسایی و به موقع از وقوع بزه علیه آنان جلوگیری شود. همچنین شناسایی کلیه عواملی که مؤثر بر بزه دیدگی آنهاست از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی، خانوادگی، تربیتی و... می توان نام برد که هر یک نقش مؤثری بر بزه دیدگی کودکان کار ایفا می نمایند. بدیهی است که هدف از پیشگیری کنشی از بزه دیدگی کودکان بالأخص کودکان کار، جلوگیری از بزهکاری آنان در آینده است. (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۷۴) به عنوان مثال می توان به وضع قانون و مقررات محکم و قابل اجرا در خصوص کار کودک و مشخص نمودن شرایطی که ضمانت اجرای قوی بر وضع آن قانون داشته باشد، اشاره کرد چرا که وضع قانون به تنهایی راهگشا نیست و فقط یک ماده و یک قانون به دیگر قوانین افزوده می شود بلکه آنچه مورد انتظار از این شیوه است، داشتن ضمانت اجرای قوی بر عدم رعایت قوانین می باشد. در حال حاضر قانونی که به کار کودک صراحتا اشاره کرده، قانون کار می باشد که در این قانون به کار کودک و شیوهی کار وی



و شرایط آن متذکر شده ولی به وضوح شاهد نقض مقررات آن می‌باشیم گویی قانونی به این نام اصلا وضع نشده است. در شیوه پیشگیری کنشی می‌توان برخی تدابیر و فعالیت‌ها را به تدابیر جزئی (خرد) تقسیم نمود که در محلهایی که کودک در آن ساعاتی را می‌گذراند مانند محل کار او، محل زندگی او، محیط خانوادگی و مدرسه آنان، تدابیری مختص این موقعیت های به ظاهر کوچک ولی به مراتب مهمتر از دیگر موقعیت هاست، اشاره کرد. به عبارتی، اگر در این موقعیت های اولیه ای که کودک در آن قرار دارد بتوان عوامل مؤثر بر بزه دیدگی کودکان کار را شناسایی نمود، خیلی از مسیر را در جهت جلوگیری از بزه دیده واقع شدن او پیموده ایم. (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۷۵ و ۷۶) به عنوان مثال به علل و عواملی که سبب کار کودک و راههای پیشگیرانه‌ی خرد آن و علل و عوامل که از بزه دیده واقع شدن کودکان کار می‌توان جلوگیری کرد:

- اگر سرپرست خانوار توانایی تنظیم وضعیت مالی خانواده‌ی خود را داشته باشد دیگر به کار کودک نیازی نیست. چراکه مهمترین عامل کار کودک، وضعیت نابه سامان اقتصادی خانوار است.

- اگر به تحصیل کودک اهمیت داده شود و کودک توسط خانواده و جامعه‌ی خویش به تحصیل ترغیب شود یا اگر به محیط هایی که کودک در آن فعالیت دارد یا مشغول به کار است نظارت شود و... تأثیر بارزی بر پیشگیری از بزه دیدگی کودک خواهد داشت.

- اگر در محیط آموزشی، کودکان کم بضاعت شناسایی و برای رفع مشکلات مالی آنها، به نحوی که به شخصیت کودک اثر منفی نگذارد، کمک شود یا سازمان فنی و حرفه ای آموزش و پرورش کشور، حرفه ای را که مناسب با حال و وضعیت کودک یا نوجوان است به طور رایگان به وی آموزش دهد تا هم در این محیط امن به کار پردازد و هم آموزش رایگان دیده باشد و نیز از شر کارفرمایان سوء استفاده‌گر در امان بمانند، گام مؤثری در جلوگیری از بزه دیدگی کودکان کار برداشته خواهد شد.

- همچنین علاوه بر آن، محیط آموزشی و فرهنگی می‌تواند با شناسایی عوامل زیستی مثل وضعیت روانی و جسمانی کودک، سن وی، بررسی عوامل روان شناختی که بعضا متأثر از



محیط زندگی و جوی که کودک در آن قرار دارد است، مثل: پول پرستی، حرص، طمع، پیروی از مد و... که این عوامل بر بزه دیده واقع شدن او تأثیر بسزایی خواهد داشت، اگر شناسایی شوند و راه حل^۱ ارائه گردد، بالتبع از بزه دیدگی او خود به خود جلوگیری خواهد شد. (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۷۶)

مواردی که در بالا بیان گردید، تنها در جامعه‌ی کوچکی است که کودک در آن قرار دارد که می‌تواند به همان اندازه که مؤثر واقع شود، به همان اندازه بلکه بیشتر، مخرب کودک و آینده‌ی او و سبب اضمحلال کشور در آینده‌ای نه چندان دور شود. و این اهمیت خانواده و آموزش و پرورش کشور را نشان خواهد داد ولی آنچنان که شایسته توجه است، اقدامی نشده. به نوع دیگری از پیشگیری، با عنوان پیشگیری کلان اشاره می‌شود که در این نوع پیشگیری نهادهای بزرگ تر و جامع تر وارد عمل می‌شوند و همچنین اقدامات و تدابیر اتخاذ شده توسط آنان نیز به مراتب وسیع تر از نهادهای کوچک تر مثل خانواده، مدرسه و... است. برای تبیین این نوع پیشگیری به مثالهایی اشاره خواهیم نمود: ۱- دولت می‌تواند بر سیاست تقنینی کودکان کار و بهبود عملکرد هرچه بهتر قانون کار، نهاد یا اشخاصی را به عنوان ناظر بر نحوه‌ی اجرا و عملکرد آنان وضع نماید. ۲- صدا و سیما که عنصری پررنگ از نهاد اجتماعی به شمار می‌آید، می‌تواند با تدوین برنامه‌هایی اثر گذار بر تقییح تکلیف^۲ گری کودکان و شغل‌هایی کاذب از این قبیل موارد که مخالف با شرافت انسانی است و همچنین با تأکید بر ارزش‌های والای انسانی، فرهنگ سازی در جهت زدودن کودکان متکلیفی و کودکان خیابانی، داشته

^۱ - از نمونه راه حل که در این باره می‌شود مثال زد این است که: آموزش و پرورش می‌تواند در دروس ارائه شده‌ی سالانه به بچه‌ها، با ارائه‌ی یک واحد درسی، مربوط به قوانین کار کودک و آگاهی آنان در حق و حقوقشان، به آنها اطلاعات لازم داده شود.

^۲ - تکلیف در لغت به معنای «حاجت خواهی از این و آن، در بوزگی، درویشی» است. تکلیف از منظر اجتماعی، اقتصادی، حقوقی دارای تعاریف مختص به خود می‌باشد. از منظر حقوقی قانونگذار در تعریف تکلیف بر نیامده ولی برای تکلیف و استفاده از اطفال در تکلیف گری مجازات تعیین نموده است ولی تعریف حقوقی تکلیف از تعاریف لغوی و اقتصادی آن چندان دور نیست و آنچه در پیش نویس لایحه‌ی قانون مبارزه با تکلیف و ولگردی و حمایت از نیازمندان واقعی است: «متکلیفی عبارت است از حاجت خواهی از همگان در ملاءعام، با زیر پا گذاشتن شئون اجتماعی و انسانی به منظور رفع نیاز مادی است.» یا تعریف گدایی از نظر قانون مصوب ۷ خرداد ۱۳۵۲ مقرر داشته: «کسانی که وسیله‌ی معاش معلوم ندارند و از روی بی‌قیدی و تنبلی درصد تهیه کار برای خود بر نمی‌آیند ولگرد محسوب می‌شوند.» برای مطالعه بیشتر در بزه دیدگی و بزهکاری در تکلیف گری، ر. ک. بیگی (جمال)، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران.

باشد. البته نباید از علل و عواملی که ایجاد کننده‌ی تکدی و ولگردی کودکان است غافل بود، از جمله عدم وجود استراحتگاه است که به ناچار، خیابانها و یا پدیده‌ی اتوبوس گردی، محل استراحت آنان را شکل خواهد داد، که بدین منظور، کمک و یاری هرچه بیشتر مسئولین و مردم را بیش از گذشته می‌طلبد. (محسنی؛ ۱۳۸۴: ۱۲) البته این مهم ابتدا، مستلزم شناسایی خانوارهای کم بضاعت و بی بضاعت توسط دولت است، که حداقل حمایت از آنها توسط دولت، ارائه‌ی کمک هزینه‌ی ماهیانه به حساب سرپرست خانواده است البته طرح هدف مندی یارانه‌ها که چند سالی است اجرایی شده و برای اصلاح بهتر این طرح، پیشنهاد گردید خانواده‌های پر درآمد و غنی از منظر مالی از گرفتن یارانه محروم شوند و یارانه‌ی ایشان به خانواده‌های بی بضاعت انتقال داده شود اما متأسفانه این اصلاح شایسته، تنها به شناسایی خانوارهای ثروتمند و حذف یارانه‌ی آنها منتهی شد و کماکان خبری مبنی بر افزایش یارانه‌ی خانواده‌های بی بضاعت گزارش نشده است. به این شکل اجرایی کردن طرح‌ها و برنامه‌ها نه تنها کمکی به بهبود اوضاع نمی‌کند بلکه به علت عدم مدیریت و نظارت صحیح، به مشکلات هرچه بیشتر افزوده خواهد کرد، آنچه تا کنون از حل مشکل بیان شده اکثراً برنامه‌ریزی‌های صرف بوده ولی در عمل یا به اتمام نرسیده یا اصلاً اجرایی نشده است، آنچه به ظاهر به نظر می‌رسد وضعیت نابه سامان مدیریت اقتصادی کشور است که باید هرچه زودتر چاره‌ای اندیشیده شود. با توجه به مطالب بیان شده‌ی فوق، آنچه از علل و عوامل کار کودک بارزتر از دیگر عوامل به نظر می‌رسد، فقر و مشکل مالی خانواده بوده که کودک را مجبور به کار، در محیط بیرون می‌کند. به درستی که اگر هر نهادی به طور کامل با وظایف خود آشنا شود و دلسوزانه و انسانی مسئولیت‌های عهده‌ی خویش را به انجام رساند به زودی شاهد از بین رفتن کاستی‌ها و شکوفایی و پیشرفت جامعه‌مان خواهیم بود.

بند دوم: پیشگیری واکنشی از بزه دیدگی کودکان کار

طریقه‌ای دیگر که می‌تواند کمک کننده و تکمیل کننده‌ی پیشگیری کنشی محسوب شود، پیشگیری واکنشی است. که در این نوع پیشگیری هدف اصلی هموار کردن مسیر در جلوگیری از بزه دیده واقع شدن کودکان، مخصوصاً کودکان کار، در نظام حقوقی و قوانین





کیفری می‌باشد که سعی شده با اعمال تدابیر و مقرراتی شدیدتر از دیگر مقررات کیفری، از بزه دیدگی آنها جلوگیری شود. این نوع از پیشگیری را نباید تنها محدود به پیشگیری از طریق وضع قوانین و مقررات (تقنینی) دانست بلکه به مراحل دیگر، از جمله پیشگیری قضایی و اجرایی هم باید تسری داد و گرنه وضع مقررات و قانون به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد. موضوع، در این نوع پیشگیری کودکانی است که قبلاً بزه دیده واقع شده‌اند و به این منظور با سیستم عدالت کیفری مواجه شده‌اند، مورد توجه است. که این پیشگیری تقنینی خواهیم پرداخت و به مختلف نظام کیفری قابل اعمال است. در ابتدا به شرح پیشگیری تقنینی خواهیم پرداخت و به نوبت، دیگر مراحل را بررسی خواهیم نمود. (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۷۸)

الف) پیشگیری تقنینی: در پیشگیری تقنینی کیفری همان طور که وضع قوانین و مقررات برای کودکان بزهکار از دیگر نقض کنندگان قانون متمایز است، قوانینی مختص به کودک بزه دیده به طور جداگانه از دیگر بزه دیدگان جهت حمایت هرچه بیشتر از آنها، نیز وضع گردیده. به تعبیری، اگر جرمی واقع نشود، بزه دیده ای نیز وجود نخواهد داشت که هدف مقنن در این باره قوانین، شخص کودک بزه دیده می‌باشد. بنابراین قانونگذار با تدوین سیاست‌هایی از جمله تشدید مجازات و یا کاهش تخفیفات در مجازات به نوعی از کودک بزه دیده حمایت می‌کند. (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۷۸ تا ۷۹) نکته ای در ارتباط با بحث بزهکاری^۱ کودک به اختصار قابل شرح است که، واژه‌ی بزهکار تنها به کودکان یعنی، اشخاص زیر سن قانونی، می‌توان منتسب نمود و برای اشخاص بزرگسال از واژه‌ی مجرم استعمال می‌شود. (نوابی نژاد؛ ۱۳۸۱: ۱۱۶ و ۱۱۷ به نقل از محمد کاوه) مخصوصاً که موضوع اصلی بحث، کودکان کار است، نمی‌توان در این زمینه بزهکاری را به آنها منسوب داشت چرا که در رابطه با این بحث،

^۱ - گسترش اصطلاح بزهکاری رسماً در سال ۱۸۹۹ به هنگام تصویب نخستین قانون بزهکاری نوجوانان در «آلینوس» شیکاگو رخ داد. تا سال ۱۸۹۹ بچه‌ها و بزرگسالان با یکدیگر در یک مجموعه قرار می‌گرفتند و هر نوع تبیینی از رفتار انحرافی به صورت برابر برای مجرمین جوان تر قابل اجرا بود. ولی بعد از مدتها این طرز تفکر تغییر یافت، به عقیده‌ی برخی از جرم‌شناسان، این تفکر که تمام افراد توانایی سنجش نتیجه‌ی اعمال ارتكابی خود را به یک میزان دارند، قابل دفاع نیست چرا که باید به موقعیت‌های متفاوت افراد توجه شود، به عنوان مثال، نمی‌توان بیماران دارای مشکل روحی و روانی و یا کودکان را به مثابه‌ی دیگر افراد قرار داد و عرف و منطق هر فرد و جامعه‌ای این تمایز را به درستی درک میکنند. (احمدی؛ ۱۳۸۲: ۱۴۸)

آنچه که نمود بیشتری دارد رابطه‌ی کارفرمایی با کودک کار بوده و از کودک بزه دیده می‌توان بیش‌تر یاد کرد تا کودک بزه‌کار. کودکان به لحاظ عدم آگاهی و نبود تجربه کافی، ضعف جسمانی، بیشتر تحت فشار کارفرمایان قرار می‌گیرند و گاهی مورد تجاوز جنسی آنان نیز واقع می‌شوند. و اینکه کار آنها از دید کارفرمایان به لحاظ وضعیت ضعیف آن کودکان ممطح نظر نبوده و به تفاوت یک کودک با یک بزرگسال توجه نمی‌شود و به کارهای سنگین‌تر از حدشان مجبور می‌شوند و گاهی حتی برای گرفتن دستمزدهای ناچیز خود مورد ضرب و جرح کارفرما نیز قرار خواهند گرفت. در پیشگیری تقنینی سعی می‌شود، در اولین گام، به وضع قوانین و مقررات اجراشدنی^۱، در جهت پیشگیری از وقوع موقعیت‌های بزه دیدگی و یا بزه‌ها علیه کودکان کار، پرداخته شود. به عنوان مثال، یک نوع پیشگیری تقنینی را می‌توان به ماده‌ی ۳ قانون ازدواج^۲ مصوب ۱۳۱۰/۵/۲۳ نام برد. چرا که راه را بر یکی از بزه دیدگی‌ها علیه اطفال می‌بندد. در بسیاری از موارد دیده شده است که کودک به عقد نکاح دیگری درآورده می‌شود ولی این عقد تنها یک پوشش است برای استفاده از بهره‌کشی اطفال یا حتی او را به خرید و فروش می‌رسانند. همچنین قانون مدنی ماده‌ی ۱۰۴۱ نیز ازدواج با اشخاص زیر ۱۳ سال را ممنوع اعلام نموده مگر با اذن ولی و تشخیص مصلحت کودک توسط دادگاه. یا در مثال دیگر در حمایت تقنینی، می‌توان به حمایت از بزه دیدگی کودکان در جرم تکدی نام برد. جرم انگاری سوء استفاده از اطفال در تکدی‌گری تا قبل از انقلاب، به عنوان جرم مستقلی وجود نداشت و تنها به عنوان یک کیفیت مشدده محسوب می‌شد و حتی پس از انقلاب نیز تا سال ۷۵ مستند قانونی مبنی بر بزه تلقی کردن استفاده از کودکان در تکدی‌گری وجود نداشت. (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۹۶ تا ۹۹) ولی مقنن در حال حاضر این عمل را عنوان خاص مجرمانه



^۱ - منظور، قوانینی وضع گردد که قابلیت اجرا و ضمانت اجرایی داشته باشد و تنها یک قانون بی کاربرد به دیگر قوانین افزوده نگردد. بلکه اگر قانون مطابق با وضعیت اشخاص جامعه و دارای ضمانت اجرایی منظمی باشد، حتی بعدها توانایی این را خواهد داشت که فرهنگ سازی ریشه داری را در جامعه شکل دهد.

^۲ - در این قانون، ازدواج با کسی را که استعداد جسمانی برای ازدواج را پیدا نکرده است، را مجازات حبس تأدیبی از ۱ سال تا ۳ سال قرار داده و ممکن است به جزای نقدی، دوپست تومان تا دو هزار تومان نیز محکوم گردد.



ای^۱ داده هرچند که ضمانت اجرایی ضعیفی دارد که اگر نداشت ما هم اکنون شاهد کثرت کودکان خیابانی نبودیم. همچنین قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۸۱ نیز در جهت حمایت از اطفال به موجب ماده ۳ خرید و فروش اطفال به هر قصدی اعم از بهره کشی آنان، به کارگیری اطفال به منظور ارتکاب اعمالی نظیر قاچاق و ... جرم تلقی کرده و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به ۶ ماه تا ۱ سال حبس یا جزای نقدی محکوم می‌شود. این موارد قوانینی بودند که جهت پیشگیری از بزه دیدگی کودک وضع گردیده و لازم هستند اما بدیهی است که کافی نبوده مخصوصاً با این ضمانت‌های اجرایی که چندان کارآمد به نظر نمی‌رسند. لازم است در وهله اول برای مقرراتی که وضع شده است، ضمانت اجرای قوی گذاشته شود و در گام بعدی، مقرراتی مکمل قوانین کنونی وضع شوند. همچنین بهتر است برای پیشبرد بهتر و دقیق‌تر قوانین، از خود نهاد مردمی برای نظارت بر اجرای مقررات کار کودک یاری گرفت و در کنار آنها همکاری مأمورین دولتی نیز لازم است و این چنین می‌توان گستره نقض قوانین را تا حد زیادی محدودتر نمود.

ب) پیشگیری قضایی: این نوع از پیشگیری می‌تواند از بزه دیدگی مجدد کودک جلوگیری کند. روند یک پروسه قضایی، در تمامی پرونده‌ها یکسان است که شامل، کشف جرم، تحقیق، تعقیب، رسیدگی در مرجع صالح، و در نهایت صدور حکم می‌باشد. (برگرفته از قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۱) برای رسیدگی به امور قضایی کودک نیز این مراحل وجود دارد ولی کیفیت رسیدگی تفاوت خواهد داشت. هریک از این مراحل می‌تواند کمک کننده به وضعیت کودک بزه‌کار و بزه دیده باشد و وضعیت فعلی او را ترمیم بخشد. و به همین شکل نیز می‌تواند صدمات جبران ناپذیر روحی و روانی بر کودک و حتی به تخریب آینده‌ی او منجر شود که نهایتاً این آسیب به خود و جامعه‌ی خودمان باز خواهد گشت. در رسیدگی به امور قضایی کودک، می‌بایست اقدامات و تدابیری ویژه‌ی کودکان انجام پذیرد. اساس و بنیان این اقدامات به لحاظ روحیه‌ی ضعیف و حساس کودکان و نوجوانان است. به عنوان مثال:

^۱ - ماده ۷۱۳ ق. م. ا: « هر کس طفل صغیر یا غیرممیز را وسیله‌ی تکتی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به ۳ ماه تا ۲ سال حبس و استرداد کلیه‌ی اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد.»

رسیدگی به پرونده های آنان باید در مراجع ویژه و با رسیدگی حساس تر انجام پذیرد و یا از افشاء و انتشار نام او جلوگیری شود، در موقع رسیدگی به همراه داشتن متخصصین ویژه‌ی کودک و نوجوان که شامل روان شناس و روان پزشک کودک است، الزامی شود، پروسه رسیدگی کوتاه تر از دیگر افراد قرار گیرد، از ثبت پیشینه‌ی کیفری برای کودکان و نوجوانان خودداری شود، مجازاتشان به تنبیه آنها بدل شود و جنبه‌ی تربیتی و اصلاح آنان مد نظر قرار گیرد و... (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۸۲ و ۸۳) در پیگیری قضایی آنچه در ابتدا وجود دارد، برخورد و رویارویی کودک با نهاد تعقیب و تحقیق یعنی، پلیس می‌باشد ولی با توجه به ضعف کودک نسبت به بزرگسالان، نهاد تعقیب با عنوان پلیس ویژه‌ی کودکان و نوجوانان نام می‌گیرد. زیرا شاید کوچکترین اختلال در عملکرد آنها سبب ایجاد صدمات جبران ناپذیری بر کودک شود. (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۸۱ و ۸۲) حاصل این نوع از دیدگاه ایجاد پلیس ویژه‌ی اطفال و نوجوانان است که ماده‌ی ۳۱ ق.آ.د.ک^۱ مبین این مطلب می‌باشد. در مرحله بعد، که رسیدگی در مرجع صالح که اعم از رسیدگی در دادسرا و دادگاه است، درباره‌ی اطفال و نوجوانان، سازوکارهایی متفاوت از دیگر روند دادرسی کیفری تدوین گشته که نقطه توجه اش بر کودک بزه دیده می‌باشد. پس از رسیدگی پرونده در دادسرا توسط پلیس ویژه، پرونده به دادگاه ویژه‌ی اطفال و نوجوانان فرستاده می‌شود. خصوصیات اعضای این دادگاه نیز با دیگر اعضای دیگر دادگاهها متفاوت بوده. در رأس دادگاه، قاضی دادگاه وجود دارد که می‌بایست دارای حداقل سابقه‌ی پنج ساله قضایی بوده باشد و همچنین متأهل و ترجیحا دارای فرزند باشند. قضات دادگاه اطفال با طی دوره کامل از مراحل آموزشی ویژه، به سمت قضا انتساب خواهند یافت.^۲ علاوه بر این موارد، به همراه رسیدگی پرونده در دادگاه، می‌بایست ابراز



^۱ - « به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه ای است که توسط رییس قوه قضاییه تهیه می‌شود.»
^۲ - ماده ۴۰۹ ق.آ.د.ک: «قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رییس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهت دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحا داشتن فرزند محرز بدانند، انتخاب می‌کند.»



نظر مشاورانی^۱، قاضی را در بهبود کیفیت صدور حکم مشایعت نمایند. همچنین در خصوص تجدیدنظر، پرونده باید در شعبه‌ای از شعب دادگاه تجدید نظر استان رسیدگی شود که مختص رسیدگی به پرونده‌های اطفال و نوجوانان است^۲ و امتیازی که در این رسیدگی وجود خواهد داشت این بوده که تمامی احکام و آرای دادگاه، هر چند قطعی، قابلیت تجدیدنظرخواهی را خواهند داشت.^۳ از دیگر مواردی که در رسیدگی قضایی اطفال بهتر است وجود داشته باشد، یک سری از پیشنهاداتی است که می‌تواند کمک کننده به بهبود وضعیت کنونی طفل و دادرسی دقیق تر و بهتر است. از جمله: برای تشویق کودک به پاسخگویی دقیق تر پاداشی در نظر گرفته شود، از ضبط صوتی در حین بازجویی کودک استفاده شود تا به هنگام ضرورت در اخذ توضیح مجدد از کودک بازجویی دوباره ای از او حتی الامکان صورت نگیرد (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۸۲)، الزامی بودن داشتن وکیل در تمام مراحل دادرسی، خانواده هایی که مشکل مالی برای اخذ وکیل دارند دادگاه برای کودک وکیل تسخیری تعیین نماید، روند دادرسی در مقایسه با دیگر دادگاهها پروسه کوتاه تری را داشته باشد، بهتر است برای بازجویی و یا دیگر موارد تحقیقی از مکان دادگاه استفاده نشود. مرحله پایانی از پیگیری قضایی، صدور حکم می‌باشد. صدور حکم در دادگاههای کیفری اطفال باید به مراتب، همانطوری که در مراحل قبلی متفاوت بودند، از دیگر دادگاهها تفاوت داشته باشد. صدور حکم در دادگاه اطفال متضمن چند ویژگی ثابت و اساسی در تمامی احکام قضایی اطفال و نوجوانان است که می‌توان از این موارد نام برد: ۱- حکم صادره در هر حال باید طوری صادر شود تا به نفع کودک باشد.^۴ ۲- از کودک بزه دیده کاملاً رفع خسارت شود.^۳ ۳- عامل بزه و

^۱- این مشاوران، از بین متخصصان علوم تربیتی، روان شناسی، جرم شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان انتخاب خواهند شد. ر. ک به ماده ۴۱۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.

^۲- ماده ۴۴۴ ق.آ.د.ک: «مرجع رسیدگی به درخواست تجدید نظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه ای از دادگاه تجدید نظر استان است که مطابق با شرایط مقرر در این قانون و با ابلاغ رییس قوه قضاییه تعیین می گردد. مرجع فرجام خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه ی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، دیوان عالی کشور است.»

^۳- ماده ۴۴۵ ق.آ.د.ک: «آراء دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدید نظر خواهی است.»

^۴- منظور از نفع کودک به معنای اصطلاحی آن و آنکه در مورد کودک بزهکار تنبیه و مجازاتی در نظر گرفته نشود، نمی باشد. بلکه شاید حکم در حال حاضر برای طفل یا نوجوان ناخوشایند به نظر آید ولی باید او را در آینده نه چندان دور اصلاح کرده و موجب

خسارت بر کودک از دیگر مجرمان شدیدتر کیفر داده شود. ۴- حکم طوری وضع گردد که علاوه بر حفظ جنبه پیشگیرانه از بزه دیدگی مجدد او در برابر اشخاص دیگر نیز جلوگیری شود.^۱ (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۸۳)

ج) پیشگیری اجرایی: همانظوری که از نام این نوع پیشگیری پیداست، مربوط است به نهادهایی که احکام صادره را به اجرا می‌رسانند. علاوه بر آن، نهادهایی^۲ که کودک بزه دیده، به وسیله حکم دادگاه به آن مرتبط می‌شود نیز مورد نظر هستند. این نهادها و حتی نظام آموزش و پرورش و دیگر مؤسسات فرهنگی، اجتماعی و... باید برای سطح ارتقای بهزیستی اطفال توجه کافی را داشته باشند تا مداخله قانون، تا حد امکان، کاهش یابد و اگر در نهایت کودکانی با قانون مواجه شدند رفتار بیجا و اقتضای سن آنها با ایشان شود.

اقدامات و حمایت‌های انجام گرفته تا کنون: در این بخش به اقدامات کنونی و اجرای استراتژی‌هایی که در گذشته طرح ریزی شده و هم اکنون بنا بر اجرایی شدن آنها شده است پرداخته خواهد شد. البته حمایت‌های مذکور را باید در دو بخش ملی و فراملی یاد کرد. (جنگجوی، جامی، نصیری؛ ۱۳۸۴: ۷۱)

در حیطه داخلی:

الف) وضع قوانین و مقررات گوناگون:

۱. قانون کار: از ماده ۷۹ تا ۸۴. که ضوابطی برای کار کودک معین نموده است:

شکوفایی هرچه بهتر او شود. و البته این امر مستلزم آن می‌باشد که شرایط برای تشویق او برای اجرای حکم به طور کامل از طرف خود نهاد قضایی فراهم گردد.

^۱ - به عنوان مثال: طفلی که به علت نبود سرپناه و سرپرست، مجبور به گذاردن شب تا صبح در محل کار شده و مورد تعرض یا دیگر بزه‌ها از سوی کارفرما یا دیگر افراد قرار می‌گیرد، بهتر است این کودک را به سازمان مربوطه بفرستند تا از بزه مجدد علیه او پیشگیری شود.

^۲ - مانند نهادهای آموزشی، خدماتی، حمایتی، درمانی. به عنوان مثال: اگر جرمی توسط خانواده کودک علیه وی اتفاق افتد و حکم دادگاه این باشد که کودک باید به مراکز نگهداری مخصوص کودکان و نوجوانان تحویل داده شود طبیعتاً این نهاد یا سازمان به نوعی به قوه قضاییه ربط پیدا میکند. بنابراین این نهاد باید دارای آگاهی بالایی نسبت به رفتار کودک و شناخت کودک داشته باشد زیرا نقش یک خانواده را برای کودک ایفا خواهد کرد و تربیت و شکل‌گیری شخصیت کودک در آن نهاد خواهد بود. یا برخی دیگر از نهادها هستند که تنها جنبه حمایت و پشتیبانی از کودک را عهده دار خواهند بود که از این نهادها می‌توان به نهاد‌های روان‌شناسی، روان‌پزشکی، مراکز درمانی و پزشکی و... نام برد. (عباچی؛ ۱۳۸۳: ۸۳ و ۸۴)



• محدودیت سنی : از آنجایی که کار کردن در سنین بسیار پایین، مضرات زیادی برای جسم و جان اطفال دارد، مقنن ایرانی در راستای حمایت از اطفال، جهت اشتغال آنان محدودیت سنی قائل شده است و این نوع حمایت در قانون کار مشهود است. افراد زیر سن ۱۵ سال ممنوع از کار هستند. کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال نیز با وجود شرایط مخصوص می توانند کار کنند.

• محدودیت ساعات کاری : بر اساس قانون کار، کار افراد بزرگسال نباید از ۸ ساعت در روز تجاوز نماید ولی در مورد نوجوانان کارگر، نیم ساعت کمتر است.

• ممنوعیت ارجاع کار اضافه و شبانه.

• ممنوعیت ارجاع کارهای مضر به سلامت و اخلاق.

• ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک.

• ممنوعیت حمل بار، بدون استفاده از وسایل مکانیکی.

• ضرورت آزمایش های پزشکی. (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۹۰ تا ۱۰۰)

۲. قانون مجازات اسلامی ماده ۷۱۳ مصوب ۱۳۹۲. ماده ۷۱۳ ق.م.ا.

۳. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری، ماده ۱۳ مصوب ۱۳۷۲:

استفاده از صغیر برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارهای غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازاتهای مقرر برای عامل خواهد بود.

۴. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱: هرگونه خرید و فروش و بهره کشی و

بکارگیری اطفال به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل، قاچاق جرم بوده و مرتکب حسب

مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به ۶ ماه تا ۱ سال زندان و جزای نقدی از ده میلیون تا

بیست میلیون خواهد شد. (عباچی؛ ۱۳۸۴: ۷۳)

ب) اقدامات در سطح سازمانهای دولتی :

• ایجاد مراکز مداخله در بحران در استان تهران و دیگر استانها.

• تأسیس مراکزی برای نگهداری کودکان بی سرپرست خیابانی با آموزش های برای

آنان.

- تشکیل ستاد سازماندهی کودکان کار.
- ایجاد ارتباط با سازمانهای غیر دولتی و بین المللی (یونیسف و برنامه های مشترک برای آنان)

- برگزاری همایش هایی در ارتباط با کودکان کار بالاخص کودکان خیابانی. (ماندگار؛ ۱۳۹۶: ۱۷۳)

- پ) اقدامات انجام شده توسط سازمانهای غیردولتی:
- ارتباط و همکاری با سازمانهای دولتی و یونیسف.
 - برگزاری همایش کارگاه نمایشگاه در ارتباط با این کودکان و حساس سازی و آگاه سازی مردم نسبت به این مسأله.
 - انجام پژوهش هایی در ارتباط با کودکان خیابانی. (ماندگار؛ ۱۳۹۶: ۱۷۳)
- در حیطه فراملی:

«این حمایت در قالب اسناد فراملی و در سطوح گسترده ای قابل اشاره است. نقاط عطف قانونگذاری در سطح بین المللی در حفاظت و حمایت از حقوق کار اطفال، در اسناد ذیل به چشم می خورد که به طور اجمالی به آنها اشاره می شود. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: این میثاق که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ میلادی به تصویب رسیده و در سال ۱۹۷۶ لازم الاجرا گردیده است، در واقع اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ را در خصوص حقوق مدنی و سیاسی، اعلام می کند و دولت های طرف آن را متعهد می سازد تا در جهت تحقق این اصول دست به اقدام بزنند.»^۱ (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۱۵۰ تا ۱۷۰)

- «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسیده و در سال ۱۹۷۶ لازم الاجرا گردیده است. این میثاق اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر را در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوباره تصدیق می نماید. در ماده ۱۰ آن اشاره می شود که دولت های طرف آن سفارش می کند که

^۱ - ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس را نباید در بردگی یا انقیاد نگه داشت یا ملزم کرد که به کار تحمیلی یا اجباری بپردازد.»





افراد جوان را از بهره‌کشی اقتصادی و اشتغال به کارهای زیان‌آور برای اخلاقیات، تندرستی یا زندگی‌شان و نیز از کارهایی که احتمالاً مانع رشد طبیعی آنها می‌شود، محافظت نماید. همچنین این سند، دولت‌ها را متعهد می‌سازد که محدودیت‌های سنی وضع نماید تا اشتغال کارمزدی کودکان پایین‌تر از سن ممنوع و طبق قانون قابل مجازات گردد.^۱ (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۱۵۰ تا ۱۷۰)

• «اعلامیه جهانی حقوق کودک: این اعلامیه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس مورخ بیستم نوامبر ۱۹۵۹ تصویب شده است. این اعلامیه از یک مقدمه و ده اصل و یک توصیه تشکیل یافته، در خصوص حمایت از حقوق کار اطفال طی اصل ۹ خود مقرر داشته است که: «کودک باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم و استثمار حمایت شود. کودک نباید به هر شکلی وسیله مبادله قرار گیرد. کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که سلامت یا آموزش وی لطمه زده یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری و یا اخلاقی وی گردد.» (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۱۵۰ تا ۱۷۰)

• «کنوانسیون حقوق کودک: این کنوانسیون که در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یک مقدمه و ۵۴ ماده، به تصویب و تدوین گردیده و در سال ۱۹۹۰ به مرحله اجرا درآمده است، در واقع رشته کاملی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطفال را که برای بقاء، پرورش، حفاظت و مشارکت آنها در زندگی اجتماعی شان حیاتی است به صورت امری به هم پیوسته و تفکیک‌ناپذیر، تصدیق و تحکیم کرده است.^۲ (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۱۵۰ تا ۱۷۵)

^۱ - کشور ما در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ به موجب «قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی» تصویب کرده است.

^۲ - مطابق ماده ۳۲ این کنوانسیون در خصوص حقوق کار اطفال بسیار صریح است؛ که اسنمار اقتصادی اطفال و یا استفاده از اطفال برای هرگونه کاری که برای آنها زیانبار بوده و یا توقفی در آموزش و پرورش آنان فراهم آورد ممنوع است و کشورهای عضو این کنوانسیون ملزم به اتخاذ تدابیر قانون، اداری، اجتماعی و آموزشی جهت حفظ آنان در برابر کارهای زیان‌آور یا مختل‌کننده فعالیت‌های آموزشی و جسمی و روانی و اخلاقی آنان گردیده‌اند. که کشورهای طرف این پیمان در همین راستا و با توجه به موارد در سایر اسناد بین‌المللی، موارد زیر را مورد توجه قرار خواهند داد:

الف) تعیین حداقل سن برای انجام کار.

ب) تعیین مقررات مناسب از نظر ساعت و شرایط کار.

• «اسناد سازمان بین المللی کار: یکی از مهم ترین سازمان های تخصصی سازمان ملل به شمار می رود که در سال ۱۹۱۹ با الهام از ماده ۲۳ میثاق جامعه ملل، تأسیس گردیده است. که مشتمل بر یک مقدمه و چهل ماده است که اهداف سازمان بین المللی کار و تشکیلات و نحوه کار و تصمیم گیری آن را بیان می دارد. و همچنین کنوانسیون های بین المللی یا توصیه نامه هایی در خصوص حمایت از حقوق کاری اطفال توسط کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار تصویب گردیده است که عبارت است از:

- اسناد مربوط به حداقل سن استخدام و شروع به کار. که تا کنون ۱۱ کنوانسیون بین المللی و ۵ توصیه نامه اختصاصاً در این باره تصویب نموده است. (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۱۷۶ تا ۱۸۰)
- توصیه نامه ها.
- اسناد مربوط به کارهای خطرناک و زیان آور.
- اسناد مربوط به ضرورت آزمایش های پزشکی.
- اسناد مربوط به ممنوعیت کار در شب. (بیگی؛ ۱۳۸۴: ۱۸۱ تا ۱۸۷) «

نتیجه گیری

حضور کودکان کار یا به تعبیری دیگر، نان آوران کوچک خانواده یک واقعیت غیرقابل انکار بوده که در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری پیدا کرده است. با توجه بر اینکه فقر و مشکلات اقتصادی، از علت اصلی پدیده کار کودک به شمار می رود ولی نباید از دیگر عوامل، از قبیل، اعتیاد والدین، تغییر در باورها و ارزش های زندگی، بزهکاری، خشونت در خانواده، عدم آگاهی والدین در چگونگی برخورد با کودک و نوجوانان نشان، زیاده خواهی و آرمان طلبی کودک و... در گسترش این پدیده چشم پوشید. (ماندگار؛ ۱۳۹۶: ۱۶۷) در واقعیت امر، اگرچه نتوان با تمامی علل و عوامل مذکور مقابله نمود، چرا که عواملی زاینده و غیرقابل پیش بینی هستند که نمی شود برای تک تک آنها راهکار ارائه نمود، ولی می توان با ارائه راهکارهایی بنیادین از افزایش هرچه بیشتر آن و کاهش فعلی اش اقدام کرد. البته بدیهی است

ج) تعیین مجازاتها و یا اعمال سایر ضمانت اجراهای مناسب جهت اجرای مؤثر این حقوق (منظور حقوق مرتبط با مسائل کاری اطفال است.)



که استفاده از این راهکارها در هر محیطی به طور یکسان قابل استفاده نمی باشد. مثلاً یک شهر کوچک با یک شهر بزرگ نمی تواند قابل مقایسه باشد و نمی تواند از تمامی پرامترها به یک اندازه استفاده کرد. اگرچه تا کنون اقداماتی در قالب تدوین قوانین و مقررات مختلف در جهت مبارزه با کار کودک انجام شده است ولی پیداست که این اقدامات نتوانسته گام مؤثری در عمل بردارد بلکه می توان آن را تنها یک نقشه راهنما برای جهت دهی و مشخص نمودن مسیر، برای به کارگیری راه حل های ارائه شده برای رسیدن به مقصد نهایی دانست. با توجه به راهکارهایی که در ضمن متن به آنها اشاره گردید، می توان به پدیده کنترل جمعیت نیز اشاره کرد. افزایش جمعیت یکی از علل بروز مشکل پدیده کار کودک است و دولت می تواند با توجه به بکارگیری استراتژی هایی که فایده در عمل دارد، به کنترل جمعیت اهمیت دهد. گام اول آن می تواند وضع مقرراتی در این زمینه باشد. البته این قوانین باید به همراه آموزش های خانواده در این حیطه، بکار گرفته شود. همچنین می توان از نقش چشم گیر رسانه ملی نیز در کاهش و کنترل کار کودک بهره جست. در نهایت، اگر بهترین راهکارها و ابزار برای مقابله با کار کودک در دست باشد ولی اگر نهاد مردمی و سازمانها با دولت و دولت نیز با مردم همگام و هماهنگ نباشند بی شک مؤثرترین ابزار ناکارآمد خواهد بود و صدمات غیر قابل جبران آن دامن گیر تمامی ما در آینده نه چندان دور خواهد شد.



منابع و مآخذ

کتاب ها :

۱. بیگی، جمال؛ بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران ۱۳۸۴
۲. میرمحمد صادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص، چاپ دوازدهم، انتشارات حقوقی میزان، تهران ۱۳۹۲
۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، چاپ اول
۴. جنگجوی، خراطا؛ جامی، فرزاد؛ جواد نصیری، حسین، مروری بر حمایت از کودکان کار در نظام حقوقی ایران و با نگاهی بر اسناد بین المللی، مجله کار و اقتصاد، شماره ۱۸۱، ۱۳۹۴
۵. حاجی تبار فیروز جایی، حسن؛ پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلیس، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره هفدهم، ۱۳۸۹
۶. ماندگار، سهراب؛ بررسی جنبه حقوقی وضعیت کودکان کار، خیابانی و دستفروش و بی سرپرست، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۲/۲، ۱۳۹۶
۷. موسوی چلک، حسن؛ رشد روز افروز کودکان کار نگران کننده است، هفته نامه برنامه، شماره ۱۹۳، ۱۳۸۵
۸. محسنی، رضاعلی؛ بزهکاری و بزه دیدگی کودکان خیابانی و راههای پیشگیری، ماهنامه شماره ۵۳، ۱۳۸۴
۹. حسینی، سید حسن؛ وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۹، ۱۳۸۳
۱۰. سلیمانی، مهدیه؛ حاجیانی، ابراهیم؛ ارائه مدل مدیریتی مطلوب به منظور ساماندهی کودکان کار و خیابان در شهر تهران، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۲۲، ۱۳۹۲
۱۱. غفاری فارسینانی، بهنام؛ نگاهی به کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۲، ۱۳۸۸



۱۲. جاهد، محمدعلی؛ بررسی پدیده کودک آزاری از منظر جرم شناسی و حقوقی، مجله دادرسی، شماره ۶۹، ۱۳۸۷
۱۳. دانش، تاج زمان؛ مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، انتشارات موسسه کیهان، چاپ سوم، ۱۳۶۸
۱۴. کردعلی وند، روح الدین؛ محمدی ترجمه از لیز فیلیزولا، بزه دیده و بزه دیده شناسی، انتشارات مجد، ۱۳۸۰
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات ۱۳۸۱
۱۶. حاجی تبار فیروز جایی، حسن؛ فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۷، ۱۳۸۹
۱۷. داداش خواه، احسان؛ پیشگیری از بزه دیدگی زنان از منظر سیاست جنائی تقنینی اسلام و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان، ۱۳۹۲

